

آذر بایجان

دوره پنجم شماره ۵ ۱۵۳ فروردین ۱۳۹۸

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

بحران سیل و بی تدبیری حاکمیت



پس از غافلگیری سیل زدگان شمال و شیراز، مدیریت بحران و وزارت کشور به خود آمدند و هشدارهای متعددی در مورد تخلیه روستاها و محله‌هایی از شهرها در خوزستان و کردستان و لرستان، تهران و ... انتشار دادند، اما روشن نیست که اهالی این مناطق و روستائیان در معرض خطر به کجا باید بروند؟ با کدام وسیله نقلیه؟ به امید کدام وسایل خانه و زندگی؟ بیماران و سالخورده‌گان چگونه باید منتقل شوند؟ کدام کمپ‌های عمومی برای اسکان موقت آنها تدارک دیده شده است؟ کدام خدمات لجستیک به آنها داده می‌شود؟ مدیریت بحران این نیست که با اعلام هشدار و دستور تخلیه مناطق در معرض خطر مردم را به حال خود رها کنند و حتی از کمکهای مردمی جلوگیری نمایند. آنگاه خودتا زانو درون آب به دوربین‌ها لبخند بزنند. دولت باید ساکنین روستاها و محلات در معرض سیل را در اماکن امن با امکانات لازم همراه با تغذیه مناسب اسکان داده و خسارت‌های وارده به آنها را جبران نماید.

به یاری سیل زدگان بشتابیم! حدود 400 شهرو روستا در 15 استان کشور درگیر سیل هستند



عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور ایران گفت: حدود 400 شهرو روستا در 15 استان کشور درگیر سیل هستند. تا کنون 78 جاده بین شهری و 2199 جاده روستایی بر اثر سیلاب مسدود شده اند که امدادگران در تلاش

برای بازگشایی آنها هستند. تعداد پل‌های تخریب شده بر اثر سیلاب در دو روز اخیر را 84 دهنه است و در 15 استان درگیر در حوادث سیل اخیر 141 رودخانه طغیان داشته اند و 409 مورد رانش زمین گزارش شده است که بیشتر رانش‌ها مربوط به استان چهار محال بختیاری بوده است. اسکان موقت حدود 60 هزار خانوار در اماکن امن با تجهیزات لازم صورت گرفته است.

ادامه درص ۲

مسئولان می‌توانستند کاری کنند که در این وضع کم آبی، سیل جاری نشود



پروفسور کردوانی جغرافیادان، استاد ممتاز دانشگاه تهران و پدر کویرشناسی ایران، به بیان دلایل و علل سیل‌های اخیر در بخش‌های مختلف ایران پرداخته پروفسور. پرویز کردوانی در گفتگو با «انتخاب»

در واکنش به وقوع سیل‌های سنگین در بخش‌های مختلف کشور اظهار داشت: ما در ایران از لحاظ آب در مضیقه هستیم و به همین دلیل باید از بارش باران خوشحال شویم و خدا شاکر باشیم. اما از آنجایی که ناکارآمدی مدیریتی در همه حوزه‌ها خودنمایی می‌کند، بارندگی‌های این چند روز در دسر ساز شده است.

ادامه درص ۲

گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران ص ۶

به یاد اختر شعر و ادب، پروین اعتصامی ص ۱۱

فاش م، گویم به آواز بلند ص ۱۴

دست‌ها از ونزونا کوتاه! ص ۱۶

اندکی مکث در سال 97 و چشم انداز اقتصاد در سال 1398

دکتر محمد حسین یحیایی



سال 1397 با سخنرانی کلیشه‌ای و خسته کننده خامنه و روحانی که هر دو از دست‌آورد های غیر واقعی و مهم رژیم سخن گفتند آغاز شد، گفتار هر دو نشانه های ترس و نگرانی را در خود داشت که از اعتراضات گسترده و فراگیر مردم در شهر گوناگون (بیش از 100 شهر) سرچشمه گرفته و تشدید شده بود. ادامه درص ۳

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

به یاری سیل زدگان بشتابیم!

در خبر دیگری مجید جودی مدیرکل بازسازی بنیاد مسکن گفت: بر اساس برآوردهای اولیه، سیل تاکنون به ۵۰ هزار خانه خسارت وارد کرده که حدود ۳۵ هزار واحد دچار خسارت و ۱۵ هزار واحد تخریب شده است.

مجید جودی اظهار کرد: تاکنون برای ۵۰ هزار واحد مسکونی در سراسر کشور که از سیل اخیر دچار خسارت شده‌اند ارزیابی صورت گرفته که ۱۲ هزار واحد در استان گلستان، ۶۰۰۰ واحد در مازندران، ۳۰۰۰ واحد در لرستان (به علت شدت باران، ارزیابی متوقف شده است)، ۷۰۰۰ واحد در فارس، ۱۰۰۰ واحد در سمنان و ۲۷۰۰ واحد در خراسان شمالی به دلیل سیل دچار خسارت شده‌اند.

مدیرکل بازسازی بنیاد مسکن تصریح کرد: در بارندگی‌های چند روز اخیر ۱۲ استان تحت تأثیر سیل قرار گرفته‌اند که نیروها و لجستیک بنیاد مسکن از روز اول بارندگی به کمک متولیان امداد و نجات آمده‌اند. همزمان بازسازی بافت روستایی و شهری و به اضافه آنجایی که شرایط محیطی اجازه می‌دهد، آواربرداری را شروع کرده‌ایم.

جودی با بیان اینکه به دلیل ادامه بارش‌ها بررسی خسارتها ادامه دارد، گفت: با توجه به مصوبه دولت تا آنجا که شرایط محیطی اجازه می‌دهد عملیات آواربرداری را آغاز کرده‌ایم اما در بسیاری از مناطق مثل آق‌قلا هنوز با آب‌گرفتگی مواجه هستیم و لذا نمی‌توان برآورد دقیقی از خسارتها ارائه داد

همچنین مدیرکل دفتر مدیریت بحران جمهوری اسلامی در مورد فاجعه دروازه قرآن شیراز که گفته می‌شود منجر به جان باختن بیش از ۲۰۰ نفر شد، به تسنیم ۹ فروردین گفت: اتفاقی که در شیراز رخ داد سیلاب از منظر طغیان رودخانه نبود؛ بلکه به‌خاطر دست اندازی و مسدود کردن یکی از مسیرهای قدیمی شهر شیراز بوده است.

رئیس سازمان مدیریت بحران رژیم در استان گلستان هم به انتخاب در همان تاریخ گفت: دلیل سیل در این استان، پر شدن سدهای گلستان و شمشگیر، لایروبی نکردن مصب رودخانه‌ها و محدود بودن خروجی آب به سمت دریا بود. وی گفت در جریان سیل در استانهای شمالی، دستکم ۱۰ هزار خانه در گلستان و ۶ هزار و ۵۰۰ خانه در مازندران خسارت دیده‌اند.

مسئولان می‌توانستند کاری کنند که...

وی افزود: این باران باریدن‌ها دلیلش گرم شدن زمین است که باعث شده بی نظمی به وجود بیاید و در نتیجه، جاهایی که کمتر بارندگی دارند هم این روزها شاهد باران‌های شدیدی باشیم. و به‌طوریکه در ۲۴ ساعت اندازه یک سال باشد و کشور باران خیزی مثل ایتالیا در یک ماه و نیم گذشته در حسرت باران بماند. همچنین باید گفت، این بارندگی‌ها مقطعی هستند و اینطور نیست که بارش‌های این چند روز را نشانه‌ای از پایان بحران آب بدانیم. پس باید آماده باشیم که از این اتفاق بهترین بهره را ببریم.

این جغرافیدان با اشاره به مشکلاتی که در شروع سال مردم شهرهای سیل زده دچارش شده اند، افزود: به قدری در مدیریت شرایط بدعمل می‌کنیم، این روزها نعمت خداوند برای ما عامل بدبختی و گرفتاری شده است و به جای اینکه مشکل آب را کم کند، مشکل آب را بیشتر کرده است.

کردوانی اضافه کرد: علاوه بر خسارتی که به کشاورزی و دامداری زده است، بستر خاک را کنده و به همین دلیل آب

صاف وارد نمی‌شود و آب گل آلود جاری می‌شود که همین باعث می‌شود تا ماشین‌ها، آدم‌ها را با خود می‌برد و همه چیز را نابود می‌کند. آب اینقدر گل ولای دارد که مثل ماست روسی می‌ماند که وقتی وارد مخزن سدها می‌رود، عمر سدها را کوتاه می‌کند. به همین دلیل در آینده اگر آبی هم باشد، نمی‌توانیم ذخیره کنیم.

این استاد دانشگاه ادامه داد: الان سد دز که ۲۰۲ متر ارتفاع دارد، حدود ۹۰ مترش گل است و به همین دلیل نمی‌تواند آب را در خودش نگه دارد. بنابراین ظاهراً فکر می‌کنیم باران نعمت است که در واقع نیست. چون باران به دشت‌هایی که نشست کرده اند، نمی‌تواند نفوذ کند. جاهایی هم که آسفالت و سنگفرش است هم باران را نگه نمی‌دارند. این در حالی است که مسوولان می‌توانستند کاری کنند که در این وضع کم آبی، سیل جاری نشود. فقط کافی بعد تا در ارتفاعات آبخیزداری کنند. یعنی در دامنه کوه دو کار اصلی انجام بدهند. اول اینکه جوی‌های عمود بر شیب را احداث کنند. همچنین در رودهای

وی با اشاره به سیل شیراز خاطرنشان کرد: سیل شیراز تصادفی بود که ظرف ۵ دقیقه بارندگی شدید باریده است و مردمی که به اشتباه در حال تماشا و فیلم گرفتن یا موبایل‌هایشان بودند، متأسفانه به حادثه دچار شدند. بنابراین شرایط هر جا با جای دیگر فرق دارد. حالا شهردار شیراز را مورد سوال قرار می‌دهند که شما با اعمال تغییر دروازه قرآن مقصرید که اینطور نیست و در واقع شرایط توپوگرافی منطقه به گونه‌ای است که در این حالت سطح رودخانه پست تر از سطح دشت است و آب را به سمت دریاچه هدایت می‌کند و کلاً شرایط آب‌اق قلا فرق می‌کند.

پرویز کردوانی در پایان سخنانش گفت: سیل باعث می‌شود تا عمر سدها کوتاه شود، چون از گل ولای پر شده اند و در نتیجه آب کمتری را ذخیره می‌کنند. پس باید برای اینکه عمر سدها کوتاه نشود، راه کارهای لازم را انجام داد، چون در تداوم چنین شرایطی آب سدها کاهش پیدا کرده و حتی تمام می‌شوند و اوضاع به قدری بد می‌شود که تهران ۵۰ سال دیگر آب نخواهد داشت. برای جلوگیری از این بحران، باید سه کار مدنظر تصمیم‌گیران قرار بگیرد. اول آبخیزداری، دوم ایجاد سد رسوبی و در نهایت شست و شوی هیدرولیک آب سدها که با انجام این سه‌مورد می‌توان به آینده‌ای پر آب امیدداشت. در نهایت امیدوارم، مسوولان به جای اینکه فکر الان باشند، آینده نگری کنند تا از مشکلات پیش‌رو جلوگیری کنند.

کوچک، سدهای کوچک می‌ساختند که اولی به عهده وزارت کشاورزی و بعدی وظیفه وزارت نیرو است. اگر این کارها انجام می‌شد، دیگر شاهد این همه مصیبت نمی‌شدیم. همچنین اگر به جنگل‌ها رسیدگی می‌شد، باران به درخت پخش می‌شود و نمی‌افتد.

این جغرافیدان گفت: ممکن است بارندگی به قدری زیاد باشد که هم از دامنه آب‌خیز آب جاری شود و هم سدها پر شوند که باعث می‌شود، آب پر شود. در چنین حالتی لازم است، اول دشت تأسیسات تغذیه مصنوعی تعبیه شود تا آب به روستاها و خانه‌های مردم راهی پیدا نکند که این با تأسیس سدها استخر یا سدها چاه میسر است. اما چون وزارت نیرو از آب‌های زیرزمینی پول نمی‌گیرد، هیچ اقدامی را صورت نمی‌دهد.

پرویز کردوانی در ادامه اظهاراتش گفت: به خاطر اینکه آب ناشی از سیل‌های اخیر ذخیره نشد، حتماً در آینده کمبود آب را تجربه خواهیم کرد و در نتیجه در کشاورزی هم شرایط مطلوبی را شاهد نخواهیم بود. چون وقتی سیل راه می‌افتد، ۲۰ سانتی متر روی زمین‌ها را از بین برده است که سیل خرابشان کرد.

همچنین باید گفت، سیل در ارتفاعات بیشترین خسارت را وارد می‌کند چون پوشش گیاهی ندارند. الان شاهدیم جنگل‌ها در اق قلا از بین رفته است. جنگل‌های شمال را هیرکانی می‌گویند که چون خاکشان پوشش نداشت، خسارت زیادی را به خود دیده‌اند.

اندکی مکث در سال ۹۷ و چشم انداز....

تامین خوراک و نیاز های اولیه خود نیستند، طبق آمار های رسمی ۱۱ میلیون انسان بیکارند و هر ساله یک میلیون به آنها افزوده می شود، آمار بیکاری در واقع ۴۰ درصد است که بیشتر آنها در استان های محروم کشورند، علیم یارمحمدی نماینده مجلس از زاهدان هم گفت که ۷۵ درصد از مردم سیستان و بلوچستان (بیش از ۲ میلیون نفر) فقر غذایی دارند.

در همان سه ماهه نخست سال « ترامپ » از برجام (اردیبهشت ماه) خارج شد که لز یک سو بحران اقتصادی را تشدید و از سوی دیگر زمینه مال اندوزی را برای خودی های

در سه ماهه نخست سال بحران ارزی، حجم نقدینگی، رکود رو به گسترش و شتاب تورم خود نمایی کرد، حجم نقدینگی از تولید ناخالص داخلی پیشی گرفت (به ۱۱۰ درصد آن رسید که باید بین ۶۰ تا ۷۰ درصد آن باشد) ۳۰ میلیارد دلار از کشور خارج شد، قاچاق کالا ادامه یافت و ارزش پول ملی رو به کاهش گذاشت که در ماه های میانی تابستان هر یک دلار آمریکا تا مرز ۲۰ هزار تومان رسید. برخی از نمایندگان بی اختیار و سر سپرده مجلس از ترس مردم زبان به گلایه گشودند، شهاب نادری نماینده پایه و اورامانات در مجلس گفت: ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند که قادر به

خروج ایالات متحده از برجام، برخی از تحریم ها را اجرایی کرد، آمریکا به شرکت های خارجی و چند ملیتی 90 روز فرصت داد تا از ایران خارج شوند، برخی از شرکت های خارجی مانند بوئینگ، جنرال الکتریک، مائرسک، پژو، زیمنس، توتال و... پیش از موعد خارج شدند علی ربیعی وزیر کار، تعاونی و رفاه اجتماعی (وزیر پیشین) در گفتگو با اعتماد گفت: بعد از اعمال تحریم ها یک میلیون شغل از بین می رود در مدت کوتاهی بخش مهمی از خود رو سازی زمین گیر شد و هزاران قطعه ساز به سیل بیکاران پیوستند رژیم درمانده از مدیریت جامعه روش سرکوب خود را بکار بست و این بار سلطان آفرینی (سلطان قیر، سلطان سکه و...) شروع شد تا با اعدام برخی که از کارگزاران خود در سال های طولانی ترس و وحشت را در جامعه حاکم گردانند

گسترش فقر در بین کارمندان، بازنشستگان و کامیونداران آنان را به میدان اعتراض آورد، و آموزگاران به اعتصاب و اعتراض های مقطعی دست زدند، با برخی از دزدی ها صندوق های بازنشستگی خالی شد در همه این مدت توان خرید مردم بویژه تهیدستان به شدت کاهش پیدا کرد ولی افزایش قیمت ها همچنان ادامه یافت. روحانی برای پیشگیری از خیزش توده های مردمی و محروم از امکانات مالی و رانت، به توزیع کالا کارت پرداخت تا مانع از گرسنگی آنان شود. در این میان نهاد های بین المللی (بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) میزان رشد اقتصادی ایران را پایین آوردند و عملکرد آنان در گزارش مرکز پژوهش های مجلس بازتاب یافت. کاظم جلالی نماینده و رئیس مرکز پژوهش های مجلس در توثیقی نوشت: در سال 1397 رشد اقتصادی به منفی 2 و 8 دهم درصد و در سال 98 با توجه به تحریم ها و عوامل دیگر به 3 و 8 دهم تا 5 و نیم درصد خواهد رسید.

یکشنبه 22 مهر ماه 1397 ابلاغیه سند الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی در 50 سال آینده از سوی رهبری منتشر شد که نشانه های جاه طلبی در آن به چشم می خورد. در این سند پیش بینی شده است که ایران در 50 سال آینده به یکی از 5 کشور برتر جهان در تولید اندیشه و فنآوری و یکی از 10 کشور برتر اقتصاد در جهان خواهد بود، البته رهبری چگونگی رسیدن به این برتری را توضیح نمی دهد ولی بودجه کلانی

رژیم فراهم کرد، بازی با ارز و طلا سرعت گرفت. روزنامه شرق نوشت: در واردات سفارش های صوری انجام شده و بالغ بر 25 میلیارد دلار توسط برخی از افراد و نهاد ها دریافت شده، در حالی که وارداتی صورت نگرفته است. برخی از افراد رژیم و یا کارگزاران آنها دلار های دریافتی خود را در بازار آزاد فروختند و برخی هم کالا های لوکس (خودرو، آیفون 10 و.. نخود و غیره) وارد کردند، در این میان فساد، دزدی، اختلاس و... به شدت گسترش یافت. روحانی برای کاهش تنش در جامعه به جیب مردم دست برد زد و برای جبران دزدی های موسسات مالی و اعتباری 35 هزار میلیارد تومان خط اعتباری از سوی بانک مرکزی باز کرد که خود باعث تلاطم بیشتر در بازار گردید. بحران اقتصادی بیشترین ضربه را به کارگران و تهیدستان جامعه زد. علی خدایی نماینده کارگران در شورای عالی کار در گفتگو با خبرگزاری « ایسنا » گفت: بررسی ها نشان می دهد که قدرت خرید کارگران در هفته اول تیرماه امسال نسبت به دیماه سال گذشته 48 و دو دهم درصد کاهش یافته، دستمزد کارگران هزینه های ضروری آنان را تامین نمی کند، کارگران ماه ها حقوق نگرفته با قرارداد های موقت و سفید امضاء نگران از آینده خودبه سر می برند، در این میان خصوصی سازی (خودی سازی) هم امنیت شغلی کارگران را تهدید می کند.

با بحران ارزی و گسترش آن در حوزه های دیگر، تیم اقتصادی روحانی از هم پاشید و روحانی با انحراف از وعده های انتخاباتی به جایگاه واقعی خود برگشت و عبای امنیتی خود را بار دیگر به تن کرد، کارگران، روشنفکران و طرفداران محیط زیست به بهانه های واهی به زندان افتادند، عبدالناصر همتی جایگزین ولی اله سیف، در پست ریاست بانک مرکزی قرار گرفت و دکترین شوک درمانی « نائومی کلین » را در اقتصاد ارزی بکار برد بگونه ای که نخست قیمت ارز تا 20 هزار تومان بالا رفت، سپس با کاهش موقت آن تا زیر 10 هزار تومان رضایت مردم را بدست آورد دولت روحانی احساس می کرد که با کاهش ارزش پول ملی زمینه پیوستن به اف اتی اف فراهم شده و با تهیه چهار لایحه آن را به مجلس برد که هنوز در راه های پر پیچ و خم شورای نگهبان، مصلحت نظام و مجلس در رفت و آمد است.

خنجر زدن می رود بنابراین سال ۹۸ سال فرصت ها، امکانات و گشایش است. این گفتار از یک سو نشانه های ترس و نگرانی را دارد و از سوی دیگر نشانه های خشم را که نشانگر ناامیدی به آینده است

آنچه در چشم انداز سال نو دیده می شود، سختی، ریاضت و بحران رو به گسترش در اقتصاد است، بخش دوم تحریم ها از اوایل ماه می به اجرا گذاشته خواهد شد، برخی از کشور هایی که برای مدتی معافیت از تحریم ها گرفته بودند، به تحریم ها بر خواهند گشت. از هم اکنون ارزش ارز های خارجی رو به افزایش است که در مدت کوتاهی روی قیمت ها تاثیر خواهند گذاشت به نظر می رسد در چند ماه آینده با توجه به تجربه های گذشته میزان تورم از ۱۰۰ درصد خواهد گذشت. هیچگونه طرح عمرانی اجرایی نخواهد شد زیرا درآمد های دولت کفاف هزینه ها را جبران نخواهد کرد. درآمد های بودجه با هزینه ها همخوانی ندارد. از یک سو درآمد های نفتی کاهش خواهد یافت و از سوی دیگر دریافت مالیات در شرایط رکود امکان پذیر نیست. صندوق توسعه ملی خالی است، تولید ناخالص داخلی (که هم اکنون در حدود ۴۲۵ میلیارد دلار است) با کاهش فروش نفت تا زیر یک میلیون بشکه در روز با قیمت ۵۵ تا ۶۰ دلار تا ۱۰۰ میلیارد دلار کاهش یافته به ۳۲۰ میلیارد دلار خواهد رسید که نتیجه آن گسترش فقر، ادامه رکود، بیکاری فراگیر و شتاب تورم خواهد بود. هدایت الهی، عضو کمیسیون انرژی مجلس در گفتگو با « اعتماد آنلاین » می گوید: سال ۱۳۹۸ ریزش اشتغال، افزایش قیمت ها، رکود اقتصادی و تورم خواهد بود با این تفسیر وضعیت اقتصادی بسیار بدی را در سال ۹۸ پیش بینی می کنم. در لایحه بودجه درآمد ها و هزینه ها قابل تحقق نیست، کسری بودجه شدید خواهد بود. رژیم ولایت نگران از خشم توده های به ستوه آمده از بحران اقتصادی و اجتماعی به هر راه و روشی دست خواهد زد که بتواند در مقابل جنبش فراگیر مردم سد ایجاد کند و مانع از سازماندهی مردم برای تغییر و گذر از این رژیم ارتجاعی و خرافه پرست باشد. اقتصاد قانونمندی خود را دارد با دستور و نامگذاری پیش نمی رود، در مرحله نخست ساماندهی اقتصاد، شفافیت، فداکاری و مشارکت همگانی را می طلبد که باید زمینه سازی شود.

در اختیار کاسه لیسان گذارده تا انشای خوشایند ایشان را تهیه کنند که هیچگونه ضامن اجرایی ندارد، زیرا در کشوری که فساد (ایران در فساد مالی در بین ۱۸۰ کشور جهان مقام ۱۳۸ را دارد) تا رپود اقتصاد را در نور دیده و فاجعه به بار آورده نمی توان به گفتار جاه طلبانه امیدوار بود. همتی رئیس کل بانک مرکزی در برنامه تلویزیونی (۳۰ آبانماه ۹۷) می گوید: از ابتدای سال تا کنون، ۲۷ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی داشتیم که از این رقم کمتر از ۷ میلیارد وارد سامانه « نیما » شده، بقیه در خارج از کشور مانده است. همزمان در نیمه دوم سال، تورم با شتاب بیشتری پیش رفت. در گزارش مرکز آمار ایران نوشته شد که نرخ کالا ها و خدمات مورد نیاز مردم همچنان در حال افزایش است در گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها میزان آن به ۵۲ درصد، میوه ها به ۷۱ درصد و گوشت قرمز و سفید به ۶۰ درصد در مقایسه با آذرماه سال گذشته رسیده است. این افزایش قیمت تا پایان سال ادامه یافت و اقتصاد قفل شد تا جائیکه بیژن زنگنه وزیر نفت در ۵ شنبه ۱۶ اسفند به خبرگزاری « ایلنا » گفت: من هم مباران ها را و هم جنگ را تجربه کردم، اما فشاری که الان وجود دارد شدید تر است تا ما را خفه کند، ما در حال حاضر با یک جنگ تمام عیار درگیر هستیم، این جنگ کشته و زخمی ندارد، در سال ۶۲ وزیر بودم و شاهد این فشار بر صنعت نفت نبودم، آمریکا از یک سو نمی گذارد نفت بفروشیم، از سوی دیگر نمی گذارد پول نفت را جابجا کنیم. عباس آخوندی وزیر سابق و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران هم گفت: به صورت ملی ۱۹ میلیون نفر از جمعیت شهری در فقر مطلق زندگی می کنند. به هر رو سال بد، زشت، زندان، فساد، فقر، بیکاری، رکود، تورم، دزدی، اختلاس های میلیاردی و... به پایان رسید و سال ۱۳۹۸ آغاز شد.

سال نو با تبریك تكراری رهبر و روحانی آغاز شد خامنه ای مانند هر سال امسال را به نام « رونق تولید داخلی » نامید و در سخن رانی مشهد خود، به راه اندازی سازو کار مالی اوروپایی ها تاخت و آن را یک شوخی تلخ و بی معنی خواند و ادامه داد که از تحریم ها نباید بنالیم، از تحریم کنندگان توقعی نیست، از غربی ها انتظار توطئه، خیانت و از پشت

گوشه هایی از تاریخ معاصر ایران
«نتایج شکست جنبش دموکراتیک آذربایجان»
رسول مهربان

1- آنجا که روزنامه یا جریده یا لایحه مضر به اساس مذهب اسلام باشد.

2- آنجا که در روزنامه یا جریده یا لایحه هتک احترامات سلطنت شده باشد.

3- آنجا که نقشه و طرح حرکت قشونی یا دیگر اسرار نظامی مکشوف شده باشد.

4- آنجا که مندرجات روزنامه موجب هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی باشد.

5- آنجا که دعوت بر مصادات قوای رسمیه مملکت شده باشد.

6- آنجا که اشاعه صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت شده باشد. 188

قبل از آن صحبت و شایعه‌ی توقیف پانصد نفر از رجال و شخصیت‌های سیاسی به میان آمده بود و روزنامه‌ی قیام ایران به مدیریت حسن صدر این نقشه را فاش کرده و نوشته بود: نذر باره‌ی یک لیست پانصد نفری یک جا و لیست‌هایی که جمعاً در حدود هشت هزار نفر می‌شود، صحبت می‌شود. این ایرانیان در ایالات شمالی ایران و از مسلک و احزاب مختلفه به نام «آشوب طلب و ستون پنجم» به جرم مبارزه با استعمار به جنوب برای کار اجباری تبعید می‌شوند، محافل مختلف هیئت حاکمه که روی مسائل خصوصی شدیداً نسبت به یکدیگر کینه می‌ورزند درباره‌ی این نقشه اتفاق نظر دارند. و مقامات رسمی منتظر ورود جناب آقای سفیر کبیر جدید آمریکا، «جان وایلی» به تهران می‌باشند. ایشان گویا بعد از نوروژ وارد تهران می‌شوند، در حالی که رئیس اداره‌ی امور ایران و ترکیه و یونان در وزارت امور خارجه‌ی آمریکا قبل از ایشان نظر مثبت وزارت خارجه را به اطلاع مقامات مسئول ایرانی رسانده‌اند. و مخصوصاً متذکر شده‌اند که قطع ریشه‌ی افکار کمونیستی در یونان و ترکیه نتیجه‌ی خوبی بخشیده و شبیه این نقشه در آن دو کشور، قویاً اجرا شده و می‌شود 189 بعدها معلوم شد این رئیس اداره‌ی امور ایران و ترکیه که نقشه و طرح، برای سرکوبی آزادی می‌دهد، جانوری است به نام «لویی هندرسن» که به نوشته‌ی باختر

ظهور مجدد بورژوازی ملی در صحنه سیاسی حسین مکی، عبدالقدیر آزاد، مظفر بقایی و حائری زاده که بنیان و متولیان اقلیت مجلس پانزدهم بودند، گاهگاهی درباره‌ی نفت و دموکراسی و آزادی‌های سیاسی هیاهویی برپا می‌کردند، اما با رعایت دو شرط عمده و اساسی. اول احترام مطلق به دربار و «پادشاه جوان» دوم رعایت حداکثر عناد و دشمنی بیمارگونه با حزب توده ایران. روزنامه نویسان ملی گرا با همه‌ی قدرت قلم و لفاظی‌های لیبرالی با رعایت آن دو شرط مؤکد و لایتغیر، به بحث‌هایی در زمینه‌ی نفت و مخالفت با کمپانی نفت جنوب می‌پرداختند، اما از همین روزها یک سری نطق‌ها و مقالات به طرفداری مخلصانه و شدید از ایالات متحده و دموکراسی آمریکایی از دهان و قلم مکی و بقایی و حسین فاطمی تراوش و ظهور می‌کرد، که خود منشأ همه‌گونه خطر و زیان برای جامعه‌ی ایران شد. حزب توده ایران در چنین شرایطی مؤظف و متعهد به مبارزه با سه جناح انگلیسی و آمریکایی و ملی‌گرایان شد. یعنی علاوه بر آنکه با دارودسته‌ی رجال مستبد درباری و امپریالیسم آمریکا و انگلیس به مبارزه‌ی سنتی و مستمر ادامه می‌داد، درگیر مبارزه با پدیده‌ی نوظهور ملی‌گرایان آمریکا زده شد. و همه‌ی جان سختی و مقاومت حزب توده ایران در همین بود. و هرچه ستم کشید و به صدها تهمت ناجوانمردانه گرفتار شد، از همین جا نشأت می‌گیرد.

از اواخر سال 1326، دربار چنگ و دندان نشان داد و شهربانی کل کشور به آزادی و آزادیخواهان خط و نشان کشید و اعلام کرد: «چون اخیراً ضمن مندرجات بعضی جراید مرکز مقالاتی دیده می‌شود که مخالف با ماده‌ی 49 قانون مطبوعات می‌باشد، بنابراین از آقایان مدیران و نویسندگان جراید خواهشمند است ماده‌ی 49 قانون مذکور را که ذیلأ درج می‌شود رعایت نموده و مفاد آن را نصب العین قرار دهند. بدیهی است مدلول ماده‌ی 49 نسبت به متخلفین به موقع اجرا گذارده خواهد شد. ماده‌ی 49 - مأمورین وزارت معارف که برای روزنامه‌ای معین می‌شوند و پلیس حق دارند روزنامه و دیگر جراید را در موارد ذیل توقیف کنند.

درباره ی ائتلاف با حزب توده ایران محدود شد . و به این نتیجه قطعی رسید، که هرگو نه همکاری با حزب توده ایران گناه است . این نقشه ی نفاق افکنانه را کمیته ی جدید حزب ایران که گردانندگان اصلی اش مهندس احمد زیرک زاده و مهندس علی قلی بیانی و دکتر سنجابی بودند ، به مرحله ی قطعیت رساندند . اما تعدادی از دانشجویان و بدنه ی حزب مقاومت می کرد . این خط مشی حزب ایران خواست مطلوب و منطبق با اهداف هیئت حاکمه بود . دربار شاه و مشاورین سیاسی اش، تلاش بسیار کردند تا گروه ها و شخصیت های خوشنام ناسیونالیست های ایرانی از همکاری با حزب توده ایران منع و محروم شوند تا در نتیجه حزب توده ایران در عرصه ی مبارزه تنها بماند .

مبارزات صنفی - سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران که عمدتاً به رهبری سازمان دانشجویی حزب توده ایران جریان داشت از شکست جنبش آذربایجان ضربه خورد و عقب نشینی و انفعال سیاسی حزب ایران ، اثر منفی بر روحیه ی دانشجویان ملی گذاشت . این حالت سکوت و انفعال مورد توجه حزب توده ایران قرار گرفت و با تبیین شرایط سیاسی ایران و آگاهی دادن به جامعه ی دانشجویان ، مجدداً همان همبستگی سیاسی - صنفی ، درحال تجدید و گسترش بود . بدین جهت شاه ، دولت حکیمی را برای سلطه بر دانشگاه و تحمیل سکوت بر جامعه ی دانشجویی تحت فشار قرار داد . «دکتر علی اکبر سیاسی وزیر وقت فرهنگ می نویسد: دوشنبه 7 فروردین ماه 1327 بعد از مراسم عید ، شاه گفت با وزیر فرهنگ کار دارم . من ماندم، نخست وزیر حکیمی نیز ماند ، شاه گفت چرا این معلمین توده ای را از دانشگاه اخراج نمی کنید؟ دکتر سیاسی به شاه توضیح می دهد که رئیس دانشگاه قانوناً اجازه ندارد این ها را اخراج کند . شاه با عصبانیت می گوید این ها خائن هستند به اجنبی خدمت می کنند چطور نمی توانید آنها را اخراج کنید . دانشگاه دست شماس آیا در آن نفوذ دارید یا نه اگر دارید باید بتوانید آن را تصفیه کنید» . 193

از آن روز کار تصفیه ی دانشگاه، یعنی اجرای خواسته ی شاه برای اخراج استاد و دانشجوی توده ای در دستور کار دکتر علی اکبر سیاسی و رؤسای بعدی دانشگاه قرار گرفت . دکتر ضیاء ظریفی در ادامه ی بحث می نویسد: متأسفانه نه

1- امروز، «دوست ایران است و در قضیه ی آذربایجان فعالیت مساعدی به نفع ایران کرده است» . 190 بازم برای درهم شکستن توطئه ، حزب توده ایران چاره ی کار را در اقدام دسته جمعی دانست و نوشت: «ملت ایران بداند که توطئه بر ضد حزب توده ایران و آزادیخواهان پیشرو این سرزمین، مقدمه ای برای تکمیل اختناق عمومی است . این توطئه فقط بر ضد مجاهدین حزب ما چیده نشده است ، بلکه هدف آن وسیع و عمومی است . هدف آن برقراری حکومت مطلق العنانی و سلب هرگونه استقلال و شخصیت از افراد ملت است ... ما بدین وسیله به آن عده از هم وطنان که مایلند حق آزادی بیان برای آنها محفوظ بماند و زنجیر غلامی بر گردن آنها گذاشته نشود ، اعلام می کنیم که در این هدف مشترک ، تمام عناصر شرافتمند با افراد حزب توده ایران هم آواز باشند . این هدف مشترک و مقدس عبارت است از حفظ آزادی و امنیت افراد ملت» . 191

نظیر همان کوشش هایی که علیه صدراالاشراف در سال 1324 از طرف حزب توده ایران و با همیاری دکتر مصدق و روشنفکران متعهد و آزاده بروز کرد ، و موجب سقوط صدرا لاشراف و عقب نشینی ارتجاع شد، مجدداً در اولین روزهای سال 1327 با همان هدف عقب راندن ارتجاع و دیکتاتوری شاه در برنامه ی حزب توده ایران قرار گرفت . اما با این تفاوت و اختلاف بزرگ که در این زمان جنبش عظیم آذربایجان و کردستان سرکوب شده و دکتر مصدق نیز به کلی دور از میدان مبارزه ی سیاسی در احمدآباد و خانه ی خیابان کاخ منزوی شده بود و حزب ایران کاملاً به لاک عافیت جویی فرورفت ، و پاسخ مثبتی که به ندای اتحاد حزب توده ایران داده شد ، منحصر و محدود به روزنامه نگارانی شد که اکثراً غیرقابل اعتماد بودند . حزب ایران اعلام کرد : «بر طبق خط مشی مصوبه، حزب ایران نمی تواند در ائتلاف جمعیتی که منشأ و هدف نهایی آن معلوم نیست شرکت نماید» . 192 و این بهانه ای بیش نبود، زیرا فردای شکست جنبش آذربایجان چشم غره و خشم و غضب هیئت حاکمه به خصوص دربار « اعلیحضرت جوان و جوانبخت» وحشت کردند و توبه نامه نوشتند و بحث های رایج در حوزه های حزبی کلاً در اطراف، آذربایجان و پیشه وری و خیانت های او و خطای حزب

هدف دربار و امپریالیسم بعد از شکست جنبش آذربایجان این بود که همه ی گروه ها و حوزه ها و رجال و شخصیت ها و روزنامه نگاران را از همکاری و همیاری با حزب توده ایران منع کند . حتی در این زمان برنامه ی جمع آوری و تجمع همه ی این نیروها به دور یک جریان سیاسی واحد که کار عمده اش حمله و هجوم به حزب توده ایران باشد ، در دستور فوری امپریالیسم آمریکا و دربار قرار گرفت . چنین برنامه ای که منجر به ایجاد یک تشکیلات قوی ضد توده ای شود، احتیاج به زمینه چینی ها و آمادگی های ذهنی و فکری داشت و در آن زمان حزب ایران یار و مددکارشایسته و منحصر به فردی برای این منظور بود ، و گروه خلیل ملکی نیز قدرت بالقوه ای بودند، که بعد از توطئه ی 15 بهمن 1327 همراه مظفر بقایی به وحدت رسیدند ، که به آن خواهیم پرداخت . اما در روزهای اول سال 1327 که ارتجاع مجدداً با همه ی نیرو به مقابله با حزب توده ایران و همه ی هواداران دموکراسی و آزادی آمده بود، مقالات روزنامه ی جبهه ارگان حزب ایران و گروهی از روزنامه نویسان ضد شوروی و ضد توده ای مانند تهران مصور به مدیریت احمد دهقان و عباس مسعودی مدیر روزنامه ی اطلاعات و روزنامه ی باخترا امروز به مدیریت و سردبیری حسین فاطمی، عملاً از یک خط سیاسی نشأت و مایه می گرفتند.

حزب ایران مدعی بود، «کمونیسم بهانه است، به شماره ی انگشتان یک دست در ایران کمونیست نیست». 195 سلسله مقالات ابوالفضل قاسمی حاوی فحاشی های گسترده به حزب توده ایران از همین سال شروع شد ، که در آن اعضای حزب توده ایران خائن ، جاسوس شوروی ، سوسیال کاپیتالیست و ستون پنجم شوروی و جیره خواران شرکت نفت و انگلو کمونیست نامیده شدند . از شماره ی 328 جبهه مورخه ی 15 فروردین به همراه این فحاشی ها، سلسله مقالات مغلوق و قلمبه گویی های نامأنوس که رنگ و لعاب علمی داشت ، تحت عنوان بیان « مبادی مارکسیسم » به قلم مهندس بیانی در روزنامه ی جبهه شروع شد ، و سالها بعد که آن نوشته ها در حزب ایران توسط تنی چند از هم مسلکان از جمله به وسیله ی نگارنده ی این سطور به نقد و انتقاد کشیده شد ، آقای مهندس بیانی هم از توضیح و تبیین آن وامانده بود ، و اغلب بحث ها

تنها اساتید ذاتا مرتجع مانع و رادع بزرگی برای انجام کارهای سیاسی در محیط دانشگاه بودند بلکه استاد فرزانه ای مانند مهندس بازرگان که ریاست یکی از مهم ترین دانشکده های سیاسی شده یعنی دانشکده فنی را عهده دار بود طرفدار این تز بود . مرحوم بازرگان در خاطرات خود می نویسد در آن موقع محیط ایران و دانشگاه مخالف دخالت دانشجو در امور سیاسی در محیط دانشگاه بود در صورتی که توده ای ها می خواستند برای پیشبرد اهداف سیاسی خود سیاست را به دانشگاه بیاورند و تشنج ایجاد کنند. برای توجیه این نظریه جزوه ای منتشر کردم که شاید اولین نشریه سیاسی بود تحت عنوان «بازی جوانا با سیاست» دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشگاه هم آن را پسندید ... در چنین شرایطی بود که شورای دانشگاه مسئله ی (تعهد نامه) را مطرح کرد. بسیاری از دانشجویان از ثبت نام خودداری کردند . دانشگاه به هیجان آمد ریاست دانشگاه دانشجویان را تهدید به اخراج کرد عده ی زیادی ناچار برخلاف میل باطنی خود به امضا تعهد نامه تسلیم شدند ، دانشجویان توده ای مقاومت کردند از هر دانشکده تعداد زیادی را اخراج کردند مرا هم از دانشگاه اخراج کردند هیجان همه جا را فراگرفته بود ... البته با وجود سپردن تعهدنامه هیچ کس به حرف زعما گوش نداد و خواهیم دید که چندماهی پس از بهمن 1327 فعالیت ها مجدداً آغاز شد. 194

وضع سیاسی جامعه ی آن روز ایران چنین بود ؛ نیروی روحانیت و مرجعیت شیعه با آن همه تأثیر عظیمی که در جامعه داشت ، کلاً از مسایل سیاسی و کلیدی و حساس خود را به دور نگه می داشت . و این دوری از مسایل سیاسی مطلوب دربار بود . در این زمان حداکثر دخالت و توجه روحانیت به مسایل پر آشوب و پر تب و تاب جامعه ای که در معرض چپاول غارتگران بین المللی و داخلی بود، محدود می شد به عرض تبریک و جواب عرض تبریک و آگهی ختم برای رجال و سرشناسان سیاسی و تجار بزرگ ! همین حالت بی تفاوتی در جامعه ی روحانیت که مولود خط مشی زعما و رجال و مراجع تقلید روحانیت حوزه ی شیعه بود ، عکس العمل آرام و متین و حساب شده گروهی از طلاب جوان را موجب شد . و کم کم کار این عکس العمل ها، تندتر و عمیق تر گردید ، که به آن خواهیم پرداخت.

منتشر ساخت و وجود مذاکرات دو طرفی را علنی نمود ، همین ردوبدل شدن نامه ها نشان می دهد که مذاکرات پیشرفت کرده است و یا لاقلاً در کلیات موافقت حاصل شده است . بنابراین در ایران یک سیاست یک جانی در بین نبوده و استخوان بندی سیاسی محفوظ خواهد ماند... ایران از نقطه نظر استراتژیکی کنار گذارده می شود و بنابراین فقط جنبه ی اقتصادی آن مو رد موافقت قرار خواهد گرفت . به طور صریح تر وضع سیاسی جدیدی بر ما تحمیل نمی شود و دیکتاتوری در بین نخواهد بود و موضوع نفت دو مرتبه به میان خواهد آمد و از این سه موضوع ، عدم امکان دیکتاتوری به طور روشن و صریح به نفع ملت ایران است.» 198 و حرف های حزب ایران و بورژوازی ملی در همین زمینه ها بود، به اضافه ی سلسله مقالاتی در زمینه ی «چگونه باید احترام به مالکیت را به افراد آموخت» به قلم و ترجمه ی غلامحسین زیرک زاده استاد دانشگاه تهران و «نابلون و مخترع آن کیست» به قلم علی حمیدی و از این ترهات!

به هر حال آن روزها که یورش ارتجاع و استبداد دربار پهلوی به ته مانده ی دموکراسی بعد از شهریور 20 شروع شده بود، و حتی امنیت فردی مردم و کارگران و دهقانان و رهبران سیاسی آزادیخواه در معرض خطر جدی قرار گرفته بود، حزب ایران و تکنوکرات های ملی ! و گروه های سیاسی - صنفی، نظیر کانون مهندسين خود را از صحنه ی داغ و سوزان و توفنده ی سیاسی ایران رندانه به کنار کشاندند ، تا لحظه ی مناسب فرا برسد . این سیاست رندانه و محیلانه از خواص احزاب بورژوازی ملی است . همین سیاست آرامش بخش و خواب کن و مشغول کننده ای که حزب ایران به عهده گرفت و منافع آن عاید امپریالیسم آمریکا شد ، بعدها به عنوان یک تز ملی و مشی مستقل سیاسی خارج از زدوبند های دو ابر قدرت جلوه گری کرد . ابوالفضل قاسمی در کتابچه ی «تاریخچه جبهه ملی » نوشت: «انگلیسی ها دوباره علیه نیروی ثالث (یعنی آمریکا) دست در دست روسیان رقیب دیرین خود دادند ، با تاکتیک انگلو کمونیسم به جنگ ماوراء بحار رفتند . روس و انگلیس علیه پایگاه نوساز به منارشسیم دست زدند ، به سردمداری سید ضیاء الدین طباطبایی و بقیه السیف چپی ها (جبهه ی ضد دیکتاتوری) به وجود آوردند ، تا

به مسایل عرفان و تصوف کشیده می شد و در وسط چنین شلم شوربای فلسفی و فحاشی های رکیک به حزب توده ایران ، سلسله مقالات کشف و وصاف با درشت ترین تیتراها در تجلیل و به قلم آقای مهندس ابوالقاسم زیرک زاده منتشر شد » آمریکایی که من دیده ام و مردم خوشبخت «، تمجید از تمدن آمریکا تحت عنوان و همه ی مظاهر آزادی و خوشبختی را در سیستم آمریکایی خلاصه نموده و نوشتند: « در زمینه های علمی، فرهنگی ، سیاسی، صنعت، کشاورزی، حمل و نقل و اتوبوسرانی شهری و خط آهن و آزادی مذهب و عقیده و آنچه که خوبان دارند ، آمریکا به تنهایی دارد». همراه این مقالات متنوع فلسفی ، اجتماعی و سیاسی ، بحث روز جامعه هم به میان می آمد، و قلم مهندس احمد زیرک زاده به کار می افتاد که «خطر دیکتاتوری در میان نیست ، و هرکه هرچه هم به میان می آمد، و قلم مهندس احمد زیرک زاده به کار می افتاد که هر که هرچه می خواهد بگوید ، بگوید. روزی در ایران دیکتاتوری خواهد شد که خطر جنگ باشد و چون جنگ دور است دیکتاتوری ایران هم دور است . اصل موضوع جای دیگر است و باید باز هم به اوضاع جهان متوجه شد . چند روز قبل در سر مقاله صحبت از سازش بین آمریکا و شوروی کردیم، البته آن را احتمالی قلمداد کردیم و حالا از آن با لاتر می رویم.» 196

و این مقاله در پاسخ دعوت حزب توده ایران به ایجاد یک جبهه ی واحد ضد دیکتاتوری بود . روزنامه ی «ستاره» به مدیریت احمد ملکی هم در این زمینه با حزب ایران هم داستان بود و نوشت: «مجدداً بین محافل چپ و راست خارجی سازش حاصل شده است و درباره ی ایران موافقت هایی بین دو جناح به عمل آمده است. از مظاهر سازش این دو جناح ، اجتماع مدیران جراید در هتل رییس است.» 197

در 23 اردیبهشت که شایعه ی مذاکراتی برای تشنج زدایی به ابتکار برنامه ی صلح اتحاد شوروی بین شوروی و آمریکا در محافل ایرانی شنیده شد، جبهه ارگان حزب ایران با درشت ترین حروف و در کادر نوشت پیش بینی ما صورت وقوع یافت و اکنون وقایع صحت پیش بینی ما را ثابت کرد شنبه ی گذشته رادیو مسکو متن نامه هایی که بین سفیر آمریکا در مسکو و مولوتف وزیر خارجه ی شوروی ردوبدل شده بود

خطر دیکتاتوری را به کلی نفي کنند، و علاوه بر آن تز سازش شوروی و آمریکا را مطرح نمایند. و برای اولین بار در مطبوعات به اصطلاح ملی و مستقل، شعارهایی مانند سازش آمریکا و شوروی و کلماتی مانند دو قدرت و ابر قدرت ها از همین نویسندگان ملی! در جامعه مطرح و مصطلح شد، که نمونه هایی از نوشته های طولانی و تفسیرهای سیاسی مهندس احمد زیرک زاده رهبر حزب ایران نقل شد.

188-اطلاعات، فروردین سال 1327

189-قیام ایران، شماره ی 291، مورخه ی 26/12/25

190-باختر امروز، 18 تیر ماه 1330

از این تاریخ عوامل سیاسی آمریکا به نام دوست ایران و مدافع دموکراسی و آزادی در صحنه ی مطبوعات و سیاست توسط میلیون تقدیس و تشویق شدند و در نهایت به سرکوب آزادی ایران موفق شدند و حادثه ای شوم به نام کودتای 28 مرداد آفریده شد.

191-مردم، شماره ی 319، مورخه 27/1/25

192-روزنامه ی جبهه، شماره ی 347، مورخ 27/2/21

193-کتاب سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نوشته ی ابوالحسن ضیاءظریفی، نشر شیرازه، چاپ اول، سال 1378، ص 62

194-نقل به تلخیص، همان کتاب، ص 63

195-جبهه ارگان حزب ایران، 26 فروردین 27، مقاله ی ابوالفضل قاسمی

196-سر مقاله ی جبهه ارگان حزب ایران، مورخه 2 اردیبهشت 1327

197-جبهه، در بررسی جرایم، 2 اردیبهشت 1327

198-جبهه، پنج شنبه 23 اردیبهشت 1327

199-تاریخچه جبهه ملی ابوالفضل قاسمی ص 20 و 21

پادشاه را گوشمالی کنند، ولی حزب ایران که می دانست این یگانگی چپ و راست برای چیست، با نكوهش از دیکتاتوری، از همبستگی با این جبهه خودداری کرد. 199

درحالی که خطر دیکتاتوری در سال 1327 امری قطعی و حتمی بود و می بایست با آن مقابله و معارضه می شد. استقرار دیکتاتوری از 21 آذر 1325 به صورت يك سري كشتارهاي دسته جمعي و تبعیدهای گروهی مردم آذربایجان و کارگران مازندران و اصفهان و گیلان به اجرا درآمده بود و زرمه های تغییر قانون اساسی و با لا بردن قدرت انحصاری شاه در عزل و نصب وزرا و تعطیل و انحلال مجلس و ایجاد يك مرجع مقننه ی جدید به نام

مجلس سنا و تقویت ارتش و رکن دوم و شهربانی از طریق خریدهای کلان اسلحه و ساز و برگ نظامی آمریکایی و استقرار مستشاران نظامی آمریکایی بر ارتش ایران، همه دلایل و نشانه های شتاب و روند سریع برقراری دیکتاتوری دربار بود. در چنین موقعیتی هشدار و اعلام خطر حزب توده ایران به منظور مقابله با ارتجاع و استبداد شاه « از جانب بورژوازی ملی نه تنها بلاجواب ماند، بلکه محافل ملی و شیفتگان دموکراسی آمریکایی و هواخواهان شاه جوان، حزب توده ایران را متهم به ایجاد بلوا و اشاعه ی موهوم جو اختناق و پرووکاسیون کردند. کادر رهبری حزب ایران که از تکنوکرات های وابسته به خانواده های مرفه بورژوازی -ملاك تشکیل شده بود، به حدی مجنوب و شیفته ی دموکراسی آمریکایی شد که برای اخذ بورس مطالعاتی از آمریکا و همکاری صمیمانه ی فنی و مشورتی با مستشاران اقتصادی و فنی آمریکایی در سازمان برنامه سر از پا نمی شناخت. آقای مهندس ابوالقاسم زیرک زاده

عضو کادر رهبری حزب ایران در همین ایام به آمریکا مسافرت کرد، و از همین تاریخ مهندسین عضو حزب ایران در سازمان برنامه مستقر شدند. این گروه موظف بودند شایعه

از مبارزات کارگران و زحمتکشانشان کشور حمایت کنیم!

به یاد اختر شعر و ادب، پروین اعتصامی به مناسبت هفتاد و هشتمین سال درگذشت پروین اعتصامی



ای مرغک خُرد، ز آشیانه
پرواز کن و پریدن آموز
تا کی حرکات کودکانه؟
در باغ و چمن چمیدن آموز
رام تو نمی شود زمانه
رام از چه شدی؟ رمیدن آموز
مندیش که دام هست یا نه
بر مردم چشم، دیدن آموز
شو روز به فکر آب و دانه
هنگام شب آرمدن آموز

با خواندن این اشعار می توان دختر دوازده ساله ای را مجسم کرد که اسباب بازی اش " کتاب " است ؛ دختری که از همان نوجوانی هر روز در دستان کوچکش ، دیوان قطوری از شاعری کهن دیده می شود ، که اشعار آن را می خواند و در سینه نگه می دارد.

شعر " گوهر و سنگ " را نیز در 12 سالگی سروده است. شاعران و دانشمندانی مانند استاد علی اکبر دهخدا ، ملک الشعرای بهار ، عباس اقبال آشتیانی ، سعید نفیسی و نصر الله تقوی از دوستان پدر پروین بودند ، و بعضی از آنها در یکی از روزهای هفته در خانه او جمع می شدند ، و در زمینه های مختلف ادبی بحث و گفتگو می کردند. هر بار که پروین شعری می خواند ، آنها با علاقه به آن گوش می دادند و او را تشویق می کردند.

پروین اعتصامی که نام اصلی او "رخشنده" است در بیست و پنجم اسفند 1285 هجری شمسی در تبریز متولد شد ، در کودکی با خانواده اش به تهران آمد . پدرش که مردی بزرگ بود در زندگی او نقش مهمی داشت ، و هنگامیکه متوجه استعداد دخترش شد ، به پروین در زمینه سرایش شعر کمک کرد.

یوسف اعتصامی معروف به اعتصام الملک از نویسندگان و دانشمندان بنام ایران بود. وی اولین "چاپخانه" را در تبریز بنا کرد ، مدتی هم نماینده ی مجلس بود.

اعتصام الملک مدیر مجله بنام "بهار" بود که اولین اشعار پروین در همین مجله منتشر شد ، ثمره ازدواج اعتصام الملک ، چهار پسر و یک دختر است.

مادرش اختر اعتصامی نام داشت . او بانویی مدبر ، صبور ، خانه دار و عقیف بود ، وی در پرورش احساسات لطیف و شاعرانه دخترش نقش مهمی داشت و به دیوان اشعار او علاقه فراوانی نشان می داد.

پروین از کودکی با مطالعه آشنا شد . خانواده او اهل مطالعه بود و وی مطالب علمی و فرهنگی به ویژه ادبی را از لابه لای گفت و گوهایی آنان درمی یافت در یازده سالگی به دیوان اشعار فردوسی ، نظامی ، مولوی ، ناصرخسرو ، منوچهری ، انوری ، فرخی که همه از شاعران بزرگ و نام آور زبان فارسی به شمار می آیند ، آشنا بود و از همان کودکی پدرش در زمینه وزن و شیوه های یادگیری آن با او تمرین می کرد.

گاهی شعری از شاعران قدیم به او می داد تا بر اساس آن ، شعر دیگری بسراید یا وزن آن را تغییر دهد ، و یا قافیه های نو برایش پیدا کند ، همین تمرین ها و تلاشها زمینه ای شد که با ترتیب قرارگیری کلمات و استفاده از آنها آشنا شود و در سرودن شعر تجربه بیاندوزد.

هر کس کمی با دنیای شعر و شاعری آشنا باشد ، با خواندن این بیت ها به توانائی او در آن سن و سال پی می برد برخی از زیباترین شعرهایش مربوط به دوران نوجوانی ، یعنی یازده تا چهارده سالگی او می باشد ، شعر " ای مرغک " او در 12 سالگی سروده شده است:

دیوانی با پنج هزار بیت ، فقط یک یا دو جا از خودش حرف زده و درباره خودش شعر سروده و این نشان دهنده فروتنی و اخلاق شایسته اوست.

پیش از ازدواج ، پدرش با چاپ مجموعه اشعار او مخالف بود و این کار را با توجه به اوضاع و فرهنگ آن روزگار ، درست نمی دانست. او فکر می کرد که دیگران ممکن است چاپ شدن اشعار یک دوشیزه را ، راهی برای یافتن شوهر به حساب آورند!

اما پس از ازدواج پروین و جدائی او از شوهرش ، به این کار رضایت داد. نخستین مجموعه شعر پروین ، حاوی اشعاری بود که او تا پیش از 30 سالگی سروده بود و بیش از صد و پنجاه قصیده ، قطعه ، غزل و مثنوی را شامل می شد.

مردم استقبال فراوانی از اشعار او کردند ، به گونه ای که دیوان او در مدتی کوتاه پس از چاپ ، دست به دست میان مردم می چرخید و بسیاری باور نمی کردند که آنها را یک زن سروده است ، استادان معروف آن زمان ، مانند دهخدا و علامه قزوینی ، هر کدام مقاله هایی درباره اشعار او نوشتند و شعر و هنرش را ستودند. پروین مدتی کتابدار کتابخانه دانشسرای عالی تهران (دانشگاه تربیت معلم کنونی) بود . کتابداری ساکت و محبوب که بسیاری از مراجع کنندگان به کتابخانه نمی دانستند او همان شاعر بزرگ است . پس از چاپ دیوانش وزارت فرهنگ نیز از او تقدیر کرد.

معمولاً رسم است که دولت ، دانشمندان و بزرگان علم و ادب را طی برگزاری مراسمی خاص ، مورد ستایش و احترام قرار می دهد . در چنین مراسمی وزیر یا مقامی بالاتر ، مدالی را که نشانه سپاس ، احترام و قدردانی دولت از خدمات علمی و فرهنگی فرد مورد نظر است ، به او اهدا می کند ، وزارت فرهنگ در سال 1315 مدال درجه سه لیاقت را به پروین اعطاسمی اهدا کرد ولی او این مدال را قبول نکرد.

گفته شده که حتی پیشنهاد رضا خان را که از او برای ورود به دربار و تدریس به ملکه و ولیعهد وقت دعوت کرده بود ، نپذیرفت ، روحیه و اعتقادات پروین به گونه ای بود که به خود اجازه نمی داد در چنین مکان هایی حاضر شود . او ترجیح می داد در تنهایی و سکوت شخصی اش به مطالعه بپردازد.

پروین ، در 18 سالگی ، فارغ التحصیل شد ، او در تمام دوران تحصیلی ، یکی از شاگردان ممتاز مدرسه بود. البته پیش از ورود به مدرسه ، معلومات زیادی داشت ، او به دانستن همه مسائل علاقه داشت و سعی می کرد ، در حد توان خود از همه چیز آگاهی پیدا کند. مطالعات او در زمینه زبان انگلیسی آن قدر پیگیر و مستمر بود که می توانست کتابها و داستانهای مختلفی را به زبان اصلی (انگلیسی) بخواند . مهارت او در این زبان به حدی رسید که 2 سال در مدرسه قبلی خودش ادبیات فارسی و انگلیسی تدریس کرد.

در خرداد 1303 ، جشن فارغ التحصیلی پروین و هم کلاس های او در مدرسه برپا شد. او در سخنرانی خود از وضع نامناسب اجتماعی ، بی سواد و بی خبری زنان ایران حرف زد. این سخنرانی ، بعنوان اعلامیه ای در زمینه حقوق زنان ، در تاریخ معاصر ایران اهمیت زیاد دارد.

پروین در قسمتهای از اعلامیه "زن و تاریخ" گفته است:

«داروی بیماری مزمن شرق منحصر به تعلیم و تربیت است ، تربیت و تعلیم حقیقی که شامل زن و مرد باشد و تمام طبقات را از خوان گسترده معروف مستفیذ نماید» .

«پیداست برای مرمت خرابی های گذشته ، اصلاح معایب حالیه و تمهید سعادت آینده ، مشکلاتی در پیش است. ایرانی باید ضعف و ملالت را از خود دور کرده ، تند و چالاک این پرتگاه را عبور کند» .

یکی از دوستان پروین که سال ها با او ارتباط داشت ، درباره او گفته است:

«پروین ، پاک طینت ، پاک عقیده ، پاکدامن ، خوش خو و خوش رفتار ، نسبت به دوستان خود مهربان ، در مقام دوستی فروتن و در راه حقیقت و محبت پایدار بود. کمتر حرف می زد و بیشتر فکر می کرد ، در معاشرت ، سادگی و متانت را از دست نمی داد . هیچ وقت از فضایل ادبی و اخلاقی خودش سخن نمی گفت» .

همه این صفات باعث شده بود که او نزد دیگران عزیز و ارجمند باشد.

مهمتر از همه این ها ، نکته ای است که از میان اشعارش فهمیده می شود . پروین ، با آن همه شعری که سروده ، در

بی خبران را چه خبر از خداست
 پروین اعتصامی، پس از کسب افتخارات فراوان و درست در
 زمانی که برادرش - ابوالفتح اعتصامی - دیوانش را برای
 چاپ دوم آن حاضر می کرد، ناگهان در روز سوم فروردین
 1320 بستری شد پزشک معالج او، بیماری اش را حسب
 تشخیص داده بود، اما در مداوای او کوتاهی کرد و متأسفانه
 زمان درمان او گذشت و شبی حال او بسیار بد شد و در بستر
 مرگ افتاد.

نیمه شب شانزدهم فروردین 1320 پزشک خانوادگی اش را
 چندین بار به بالین او خواندند و حتی کالسکه آماده ای به در
 خانه اش فرستادند، ولی او نیامد و پروین در آغوش
 مادرش چشم از جهان فرو بست.

پیکر پاک او را در آرامگاه خانوادگی اش در شهر قم و کنار
 مزار پدرش به خاک سپردند. پس از مرگش قطعه شعری از
 او یافتند که معلوم نیست در چه زمانی برای سنگ مزار خود
 سروده بود. این قطعه را بر سنگ مزارش نقش کردند. یاد و
 خاطره اش گرمی باد

گزیده ای از شعری که بر سنگ مزارش نوشته اند:

این که خاک سیهش بالین است
 اختر
 چرخ ادب پروین است
 گر چه جز تلخی از ایام ندید
 هر چه خواهی
 سخنش شیرین است
 آدمی هر چه توانگر باشد
 چون بدین نقطه
 رسد مسکین است
 اقتباس از کتاب چهره های درخشان

او که در 15 سالگی درباره ستمگران و ثروتمندان به سرودن
 شعر پرداخته، چگونه می تواند به محیط اشرافی دربار قدم
 بگذارد و در خدمت آنها باشد؟

او که انسانی آماده، دارای شعوری خلاق و همواره درگیر در
 مسائل اجتماعی بود به این نشان ها و دعوت ها فریفته نمی
 شد.

در این جا یکی از اشعار پروین در مذمت اغنیای ستمگر را
 می خوانید:

برزگری پند به فرزند داد، کای پسر
 این پیشه پس از من تو راست
 مدت ما جمله به محنت گذشت
 نوبت خون خوردن و رنج شماس

هر چه کنی نخست همان بدروی
 کار بد و نیک، چو کوه و صداست

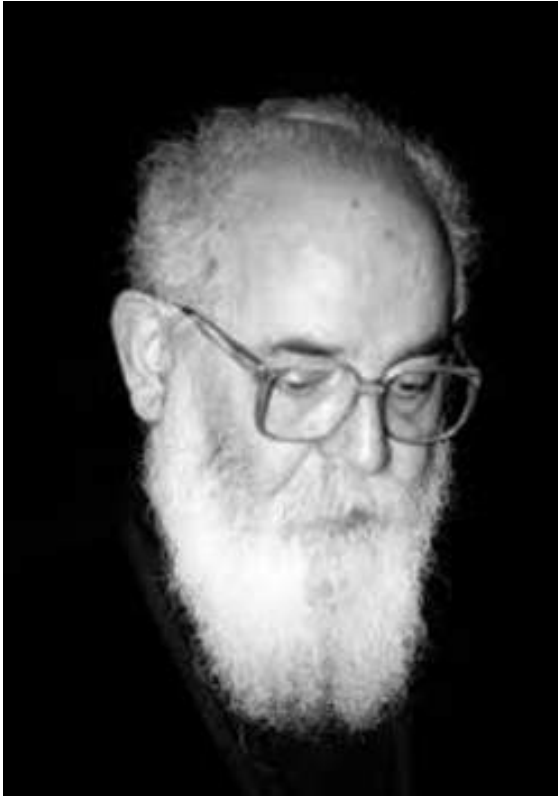
گفت چنین، کای پدر نیک رای
 صاعقه ی ما ستم اغنیاست

پیشه آنان، همه آرام و خواب
 قسمت ما، درد و غم و ابتلاست
 ما فقرا، از همه بیگانه ایم

مرد غنی، با همه کس آشناست
 خوابگاه آن را که سمور و خزست
 کی غم سرمای زمستان ماست
 تیره دلان را چه غم از تیرگیست

**فرقه دمکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با
 بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و
 پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را
 در مقیاسی جدید ادامه می دهد.**

فاش می گویم به آواز بلند



خلق را هر روز سالی می نمود

مغز مردم خوارگی شد پیشه اش
زانکه از اندیشه بود اندیشه اش

چون به ناپاکی سر از مردم بتافت
بوسه ی ابلیس را پاداش یافت

بس به دست زور گرد آورد گنج
تا به بادش داد آن بازوی رنج

هر که در خود کاوه ای دارد نهران
ای برادر کاوه ات را وارهان!

کاوه را آزاد کن تا برجهد
خیره سر را تیغ بر گردن نهد

فاش می گویم به آواز بلند
همچو نی گر بند بنم بگسلند

روزگار پیر را تا یاد بود
پایه ی این تخت بر بیداد بود

هم از آن ضحاک تا این اژدها
از ستم هرگز نشد مردم رها

گر نکو در کار شاهان بنگری
هر یکی بینی بتر از دیگری

خوانده ای آن دست تا زانو دراز؟
آن درازی بود بر بیداد و آز

پس ز هر دستی ستم افزوده شد
نامه ی عالم سیه زین دوده شد

نیکویی کم کم دگرگونی گرفت
تا بدی این مایه افزونی گرفت

داد دست از دادخواهی در کشید
تا ستمکاری بدین غایت رسید

چون بد افتد مردم گمراه را
بانگ یابویی گزیند شاه را

یابویی از بوی جفت آگاه شد
داریوش، آن شاه شاهان، شاه شد!

خوانده ای آن ماردوش مغز خوار
پادشاهی راند بر سالی هزار؟

آن ستمگر را نه چندان سال بود

سر تراشی کو سر شه می سترد
پی به راز شاه بُرد و جان بُرد

ای خوشا روزی که خلق دادخواه
بگسلد از دست و پا زنجیر شاه!

شاخ هر دم در دلش سر می کشید
بیم جانش بود و دم در می کشید

کرکسی خود را به سیمرغی گرفت
مانده از کارش جهانی در شگفت

چون گران شد بر دلش رازِ نهفت
رفت و آن ناگفته را در چاه گفت

گفت من حاجت گذار هرکسم
تا پری از من بسوزی در رسم

از درون چاه نایی بر دمید
نای بین کز ناله ای آمد پدید

گرچه از گندش جهان آکنده شد
مرده خوران را هوس ها زنده شد

آری، آری ناله، بنیاد نی است
رُستن و بالیدن نی از وی است

دوزخی از حرص و آز فروختند
هم پر او هم پی خود سوختند

نی که عالم را به نالیدن گرفت
در هوای ناله بالیدن گرفت

وه که زان خود سوختن سودی نبود
بلکه دودی نیز بر دودی فرود.

آنکه از وی شد دل نی ناله خیز
ناله را خواهان نی کرده ست نیز

خلق چون دریا و دریا تند خوست
خشم پنهان جوش. توفان ها در اوست

ناله و نی مانده دیری بی زبان
وعده شان کنج دهان آن شبان

می تپد دریا ز توفانی شگفت
ناخدا این موج را آسان گرفت

آن شبان دردمند دادخواه
گلّه غارت کرده ی گرگان شاه

می خروشد موج و یورش می بُرد
تازبانه ش می زند آن بی خرد.

آمد و بند از دهان نی گشاد
وان لب خاموش را بر لب نهاد

سخت و سنگین می نمایی این زمان
باش تا گرداب بگشاید دهان

شاخ دارد شاه را نی دم گرفت
شاخ دارد شاه در عالم گرفت!

گفتمت، اما چه حاصل؟ نشنوی!
باد می کاری که توفان بدروی.

بخش هفتم کتاب مثنوی بانگ نی سروده ی استاد هوشنگ
ابتهاج (ه ا سایه)

پادشاهی بود با شاخی کُفت
شاخ را در تاج زرین می نهفت

دست ها از ونزوئلا کوتاه!



وزیر امور خارجه آمریکا همچنین به مادورو تاکید کرد که سمت خود را ترک کند و اجازه دهد ونزوئلا به حالت عادی خود باز گردد، او ادامه داد: امیدوارم که شما همین امروز وضعیت را تغییر دهید و راه و روش خود را تغییر داده و این کشور را ترک کنید.

این اظهارات در حالی مطرح شده است که رئیس جمهوری ونزوئلا تحریمهای آمریکا را مقصر اصلی مشکلات اقتصادی کشورش دانسته است و با انتقاد از خوان گوایدو، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا که خود را رئیس جمهوری این کشور نامیده است، وی را دست نشانده و بازیچه آمریکا دانست.

بیش از سه میلیون ونزوئلایی به دلیل تورم بالا و کمبود مواد غذایی و دارویی در کنار بحران سیاسی از کشورشان فرار کرده‌اند.

وزیر امور خارجه آمریکا گفت: ایالات متحده از تمامی ابزار سیاسی و اقتصادی خود برای مقصر شناختن رییس جمهوری ونزوئلا بابت بحران موجود در کشورش استفاده خواهد کرد...

به گزارش ایسنا و به نقل از خبرگزاری رویترز، مایک پامپئو، وزیر امور خارجه آمریکا همچنین به روسیه و کوبا نیز این امر را مشخص کرد که آنها هزینه حمایت از نیکولاس مادورو، رئیس جمهوری ونزوئلا را پرداخت خواهند کرد.

وزیر امور خارجه آمریکا این اظهارات را در شهر مرزی "کوکوتا"، واقع در کلمبیا اظهار داشت که توقف نهایی‌اش در سفر سه روزه به سه کشور آمریکای لاتین محسوب می‌شود.

وزیر امور خارجه آمریکا پس از ملاقات با مهاجران در پناهگاه آوارگان "کوکوتا" همچنین گفت: ایالات متحده از تمامی ابزار سیاسی و اقتصادی خود برای کمک به مردم استفاده می‌کند. استفاده از تحریمها و لغو صدور ویزا و سایر ابزار همچنان علیه دولت ونزوئلا ادامه دارد و آنهایی که مقصر این فساد و سرکوب دموکراسی هستند، تاوان خواهند داد.

وی همچنین پیش از ترک مرز کلمبیا به سمت آمریکا در بین خبرنگاران، اضافه کرد: شما شاهد افزایش تدابیر دیپلماتیک و سیاسی علیه مادورو هستید. کوبایی‌ها هم باید متوجه باشند که هزینه ارتباط داشتن با مادورو و حمایت از وی را پرداخت می‌کنند. روی سخن ما با روس‌ها نیز است.